

لفظ و معنا

رابطه لفظ و معنا چگونه است؟

غرض اصلی اهل منطق تنها مربوط به معانی است اما برای رسیدن به معانی لازم است از احوال و احکام الفاظ بحث شود.

نکته: برای بیان و انتقال افکار خود به دیگران از الفاظ استفاده می‌کنیم.

مقدمتا باید بیان شود که اشیاء چهار نوع وجود دارند: دو وجود حقیقی

(خارجی، ذهنی)، و دو وجود اعتباری و قراردادی (لفظی، کتبی). شرح آنها

بدین صورت است:

۱- **وجود خارجی:** مانند وجود شما و وجود اشیایی که اطراف شماست (هر

چیزی که در خارج و عین قابل مشاهده باشد)

۲- **وجود ذهنی:** همان علم ما به اشیاء خارجی و مفاهیم دیگری است که

در ذهن ما نقش بسته است

۳- **وجود لفظی:** انسان برای بیان و انتقال افکار خود به دیگران نیازمند

استفاده از الفاظ است.

۴- **وجود کتبی:** از آنجا که الفاظ به تنهایی همه نیازهای انسان را برطرف

نمی‌سازد لازم است وجود کتبی استفاده شود.

تعریف اشتراک لفظ

لفظی که دارای دو یا چند معنای متعدد باشد (یک لفظ با چند معنای متعدد).

مثل لفظ شیر که چند معنای متعدد دارد: در جایی نوعی حیوان است؛ در جایی به معنی شجاعت است؛ در جایی به معنی شیرآب است.

یا لفظ عین در عربی برای عضو بینایی و چشمه آب و طلا و غیر بکار می‌رود.

نکته: اشتباه گرفتن کلماتی که ظاهری مشترک دارند باعث بروز مغالطه

«اشتراک لفظ» می‌شود. این مغالطه یکی از شایع‌ترین انواع خطاهای ذهنی

است. به تعبیر مولوی « اشتراک لفظ دائم رهن است».

مثال برای اشتراک لفظی

۱- دوست من فیروزه است. فیروزه سنگ گرانها است. دوست من سنگ گرانها است.

۲- این شخص مشتری است. مشتری دارای اقمار (جمع قمر) است. این شخص دارای اقمار است

۳- خرما شیرین است. شیرین دختر خوبی است. خرما دختر خوبی است

۴- در فارسی کتاب‌های امثال قرآن زیاد نیست (امثال: ۱- جمع مثل به

معنای نمونه ۲- جمع مثل به معنای ضرب‌المثل

نحوه دلالت لفظ بر معنا در جملات

تعریف دلالت: اینکه شیء به گونه‌ای باشد که هنگام علم به وجود آن ذهن آدمی به وجود شیء دیگری منتقل گردد (انتقال ذهن از یک شیء به شیء دیگر).

مثال: از شنیدن صدای زنگ در پی می‌بریم کسی پشت در است.

صدای زنگ = دال

وجود آن شخص = مدلول

این ویژگی صدای زنگ = دلالت

اقسام دلالت

تاکید نویسنده کتاب درسی منطق در بحث دلالت تنها بر اقسام دلالت لفظ بر معنا است اما جهت فهم بهتر و ارتباط انواع دلالت ما بحث اقسام دلالت را از پایه ذکر کردیم.

دلالت در تقسیم اولیه بر دو قسم است:

۱- دلالت جلی (آشکارا). مثل دلالت دود بر آتش

۲- دلالت خفی (پنهان). مثل اگر سلام کنی جوابت می‌دهند (پنهان اگر سلام

نکنی جوابت نمی‌دهند).

دلالت جلی بر دو قسم است: ۱- دلالت اعتباری (وضعی) ۲- دلالت حقیقی؛ که خود شامل

عقلی و طبعی است.

الف) دلالت عقلی: این نوع دلالت در جایی است که میان وجود خارجی دال و مدلول ملازمه ذاتی برقرار است مانند اثر و موثر؛ رد پای انسان در برف؛ روشنایی صبح اثر طلوع خورشید.

ب) دلالت طبعی: این نحوه دلالت در جایی است که ملازمه میان دو شیء یک ملازمه طبعی است یعنی ملازمه‌ای است که طبع انسان آن را اقتضا دارد مثل رابطه سرخی چهره با حالت شرمساری؛ هنگام احساس درد بگوید «آخ».

ج) دلالت وضعی: در جایی است که ملازمه میان دو شیء از وضع و قرارداد نشات می‌گیرد قرارداد بر اینکه وجود یکی دلیل بر وجود دیگری است مثل خطوط دلیل بر الفاظ؛ اشارت های انسان گنگ؛ چراغ قرمز دلیل بر توقف

اقسام دلالت وضعی

دلالت وضعی بر دو قسم است:

۱- دلالت لفظی: این در جایی است که آنچه براساس قرارداد بعنوان دال تعیین

شده است، لفظ باشد

۲- دلالت غیرلفظی: و این در جایی است که دال چیزی غیر از لفظ باشد

مانند علائم، خطوط، تصویرها

تعریف دلالت لفظی

لفظ به گونه‌ای باشد که اگر انسان بدانند متکلم آن لفظ را بیان کرده است به معنای مراد شده از آن لفظ پی ببرد.

اقسام دلالت لفظی

دلالت لفظ بر معنا بر سه قسم مختلف است

۱- **دلالت مطابقه:** بدین صورت که لفظ بر تمام معنای موضوع له دلالت کند و با آن مطابق باشد مانند دلالت لفظ کتاب بر تمام معنای آن. دلالت لفظ انسان بر تمام معنای آن یعنی حیوان ناطق

۲- **دلالت تضمن:** لفظ بر قسمتی از معنای موضوع له که در ضمن معنای موضوع له قرار دارد دلالت کند. مانند دلالت لفظ کتاب تنها بر برگ‌های آن. یا اگر کسی بگوید خانه‌ام خراب شده است.

۳- **دلالت التزام:** لفظ بر معنایی دلالت کند که بیرون از معنای موضوع له اما همراه با آن است مانند دلالت دوات بر قلم. اگر کسی بگوید دواتی برای او بیاورید و قلم را ذکر نکند باید هر دو را با هم بیاورد. یا اگر کسی بگوید خانه‌ام را دزد برد، لفظ خانه بر وسایل خانه دلالت دارد.

نکته: به کار بردن دلالت مطابقی به جای تضمنی و التزامی به خطایی منتهی می‌شود که آن را «مغالطه توسل به معنای ظاهری» می‌نامند. مثلاً گفته بودم

اگر به رستوران بیایم پول غذا را من حساب می‌کنم که الان حساب کردم سه تا کباب بود و دوتا دوغ و یک نوشابه می‌شود ۴۲۵۰۰ تومان، اما نگفته بودم که پول غذا را من پرداخت می‌کنم.

مثال برای مغالطه توسل به معنای ظاهری

- ۱- مادر به فرزندش که امتحان داشت، گفت به کتابت هم نگاهی بینداز. فرزند کتاب را برداشت و به آن نگاه انداخت و گفت نگاه کردم.
- ۲- علی به دوستش گفته دلم کباب شده؛ دوستش گفته: من کباب دوست دارم.
- ۳- من گفتم بعد از ظهر می‌آیم ساعت ۸ شب هم بعد از ظهر است.
- ۴- علی از دوستش پرسید ساعت چند است؟ گفت ساعت فروشی نیست
- ۵- یکی شکست مالی خورده بود به همسرش گفت: خانه خراب شدیم. فرزندش گفت خانه ما که سالم است.

مغالطه نگارشی کلمات

عدم رعایت دقیق علائم سجاوندی و حرکات کلمات باعث پدید آمدن مغالطه «نگارشی کلمات» می‌شود. مثلاً فردا سفر تمام می‌شود یا فردا صفر تمام می‌شود. اگر کسی در جریان حساب و کتاب و طلب بین من و کسی دیگر باشد و به من پیام دهد که «فلانی پول را به حسابت ریخته» من را دچار

مغالطه می کند ۱- شاید شخص بدهکار پول را برای من واریز کرده باشد ۲- شاید این شخص از من سؤال کرده باشد و چون علامت سؤالی در پیام وی نیست همین باعث مغالطه می شود.

مثال برای مغالطه نگارشی کلمات

۱- نویسم من که مادر، زن عزیز است تو می خوانی که مادر زن عزیز است

۲- فکر می کردم تو همدردی اما نه تو هم «دردی»

۳- علی دایی فوت کرد (فوت: دمیدن)؛ علی دایی، فوت کرد (مردن)

۴- به یکی گفتند با «عدس» جمله بساز: گفت آدس (از دست) ما ناراحتی؟

۵- یکی شاهی در سمرقند داشت که گفتی به جای سمر، قند داشت

مغالطه ابهام در مرجع ضمیر

اگر در جمله ای مرجع ضمیر مشخص نباشد باعث خطا در اندیشه می شود.

مثال برای مغالطه ابهام در مرجع ضمیر

۱- پسر تا پدرش را دید لباسش را مرتب کرد (۱- لباس خودش مرتب کرد

۲- لباس پدرش).

۲- هر کس حسن را ببیند اگر غمگین باشد شادمان می‌شود (معلوم نیست حسن خوشحال است یا کسی که حسن را می‌بیند)

۳- میل دارید با ما غذا بخورید؟ نه میل ندارم (میل ندارم «با شما غذا بخورم» یا نه میل ندارم «غذا بخورم»)

۴- مردم در پاسخ سخنرانی که گفت افزایش بودجه دولت صحیح نیست؛ گفتند صحیح است، صحیح است (معلوم نیست حرف سخنران تأیید کردن یا رد کردن).

۵- پلنگ به دنبال آهو بود که شکارچی به او شلیک کرد (مشخص نیست به آهو شلیک شد یا به پلنگ).

۶- کسی که بگوید خلیفه بلافصل پیامبر کسی که دخترش در خانه وی باشد.

پس در این درس با چند نوع مغالطه آشنا شدیم که عبارت‌اند از:

۱- مغالطه اشتراک لفظ

۲- مغالطه توسل به معنای ظاهری

۳- مغالطه نگارشی کلمات

۴- مغالطه ابهام در مرجع ضمیر